

بیز از آیتی سوال کردم همان نیت وی نیز را با خود بند ناکاه
رسول صلی الله علیه و سلم بمن بگذاشت چون مرادید و از روی
در یافت آنچه را بود از رکنی فرمود که یا با هر کتم لبیک گفت
بما پیوند و روان شد و بجانگی از اقامت المؤمنین آمد و برسد
که پیش شما بیخ طهای است گفتند آری فلان کس مقداری سیر
برای تو هدیه فرستاده است فرمود که یا با هر کتم لبیک فرمود که
بر و صاحب صدقه را آوازه و صاحب صدقه همانان اهل اسلام
بودند و ایشانرا اهل مال نبود هرگاه که رسول صلی الله علیه و سلم
هدیه ای رسید خودی خورد و اهل صدقه را نیز می داد و چون صدقه
می رسید می خورد و همرا با اهل صدقه داد می با خود کتم بر بودی که
مرا ازین شیر یک شربت دادی چون اهل صدقه می آیند از یک کاس
شیر بمن چه خواهد رسید پس من اهل صدقه را حاضر کردم و هر یک
بجای خود بنشینند رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که یا با هر آن
کاس شیر را بمن ده چون بوی دادم باز بمن داد و فرمود که بر شیر
و این را همه قوم برسان همه قوم از آن می شناسید و غیر از رسول
صلی الله علیه و سلم و من هیچ کس نماند کاه را از من گرفت و باز بمن
داد و فرمود که یا با هر میاشام میاشامیدم دیگر بار فرمود که یا با
زیادت کن آشنایان را زیادت کردم و دیگر بار فرمود که زیادت
کن زیادت کردم چهار بار گفت که میاشام کتم و الله یا رسول الله

دیگر

دیگر جای نماند کاه را از من بستد و آنچه باقی مانده بود میاشامید
و از آنجمله آنست که انس بن مالک رضی الله عنه گفته است که
رسول صلی الله علیه و سلم بمدینه آمد و من هشت سال بودم و پدر من
مرد بود و مادر من ابوطلمه را شوهر کرده بود و ابوطلمه را هیچ چیز
نبود و کاه بودی که یکشب یا دو شب بگذشتی که ما شام نکردی
یک روز مادر من مشتی جو یافت آنرا آورد کرد و درون آن پخت و
انذکی شیر از مسایه طلبید و بر آنجا ریخت و مرا گفت برو و ابوطلمه را
بخوان تا این را بهم بخوری زیرا من روی رتم شادی گمان که چیزی
خواهم خورد ناکاه دیدم که رسول صلی الله علیه و سلم با اصحاب
است بوی نزدیک شدم و کتم ما در من ترای خواند رسول صلی الله
علیه و سلم بر خاست و اصحاب را گفت بر خیزید و آمدند تا بمنزل ما
نزدیک رسیدند رسول صلی الله علیه و سلم ابوطلمه را گفت بیج چیزی
آماده ساخته ای که مرا می خواند ابوطلمه گفت سوگند بان فدای
که تر به پیغمبری برانگیخت که از دی با ما بیج در دهان من نهید
است رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که پس ام سلمه ما را برای چه
خوانده است در ای و به بین پس ابوطلمه بخانه دو آمد و پرسید که
ای ام سلمه رسول خدا می را برای چه خوانده ام سلمه گفت من چیزی
ازین کاری نکردم که چیزی جوین پختم و قدری شیر از مسایه بگذاشتم
و بر آنجا ریختم و انس را گفتم برو و ابوطلمه را بخوان تا آنرا بهم